

خیلواکی



استقلال

www.esteglaal.net

شنبه ۰۵ سپتمبر ۲۰۲۶

تهیه، ترتیب و ترجمه: داکتر فریده نوری

طالبان و مذاکرات

قسمت سووم

نویسنده: افغانستان شناس Antonio Giustozzi

نظریه های مختلف در بین طالبان:

در ماه نوامبر سال ۲۰۱۸ اختلافات هم در مورد مذاکرات با کابل و هم در مورد مذاکرات با امریکایی ها موجود بود. اقلیتی در شورای رهبری شامل شخصیت های مانند ملا عبدالمنان و ملا یعقوب از مذاکرات فوری با کابل، قرار پیشنهاد غنی، حمایت می کردند.

یکی از دلایل آن ها قسمیکه قبلاً نیز اشاره شد خصومت با ایران و مخصوصاً با پاکستان بود. اما هشتاد فیصد از ۳۲ عضو شورا از ملا هبت الله و تصمیم وی که باید اول مذاکره با امریکایی ها صورت بگیرد، پشتیبانی می کردند، زیرا معتقد بودند که در آن احتمال موفقیت بیشتری وجود خواهد داشت.

تنها یک جناح نسبتاً کوچک به رهبری حقانی ها و ابراهیم صدر مقام بلند پایه نظامی و (یکی از طرفداران ایران)، به هر نوع مذاکره مخالفت کرد و بجای آن راه حل نظامی را پیشنهاد نمود. با موجودیت اختلافات قابل توجه در بین طالبان، ملا هبت الله در ۱۸ اپریل ۲۰۱۹، جلسه در کویت برگزار کرد تا در باره ادامه مذاکرات با امریکا بحث شود، حدود ۳۴۰ عضو ارشد در این جلسه شرکت داشتند، بعداً رای گیری محرمانه برگزار شد که در نتیجه منجر به ۲۵۱ رای موافق برای مذاکرات و ۸۹ رای مخالف گردید.

باوجودیکه بصورت واضح تصمیم به تعلیق حملات در طول مذاکرات گرفته شد، هبت الله به فشار های داخلی به دلیل این که باید یک تعداد امتیاز ها بدست بیاورند، مواجه شد. در اخیر سال ۲۰۲۰،

طالبان همچنان مذاکرات بین الافغانی را آغاز کردند، اما بدون آتش بس. رد نمودن آتش بس بدلیل بدبینی عمیق شان با رئیس جمهور غنی بود، که بالای غنی اعتماد نداشتند و فکر می کردند که غنی در مذاکرات صلح قبلی در سال ۲۰۱۵ آن ها را فریب داده است.

رهبران طالبان فکر می کردند که آتش بس باعث تفرقه در بین شان می شود و انسجام نظامی شان را برهم می زند.

اختلاف نظر بین ملا یعقوب عضو برجسته مذاکرات فوری با کابل و هبت الله ناشی از این بود که هبت الله برعکس ملا یعقوب، می خواست روابط نزدیک شان را با بازیگران منطقوی حفظ کند و همچنان قصد داشت تا امتیازات بزرگتر از کابل در زمینه اصلاحات قانون اساسی و سیاست بدست آورد.

یعقوب بی اعتمادی خود را در برابر ملا هبت الله ابراز نموده و معتقد بود که او قادر نیست که پروسه صلح قابل اعتماد را سهولت بخشد.

از طرف دیگر اشتباه است که یعقوب را یک چهره معتدل واقعی در نظر بگیریم، زیرا وی نیز غنی را به عنوان چهره اصلی یک دولت تحت امر می دید. باوجود انتقاد هایش یعقوب به روابط خود با مسئولان مختلف دولتی ادامه داد و توانست آن ها را وادار کند که به هوادارانش در افغانستان آسیب نرسانند. در مورد مخالفتش با ملا هبت الله می توان گفت که این مخالفت ناشی از تمایل وی به جاگزینی در رهبری طالبان بود.

همچنان اشتباه خواهد بود که سراج الدین حقانی را که مخالف اصلی مذاکرات بود، یک ایدیولوگ واقعی بدانیم. در سال ۲۰۱۸ - ۲۰۱۹ وی در تلاش بود که طالب های افراطی را به خود جذب کند، اما از طرف مقامات سعودی که به قرار منابع که از طالبان بدست آمده است سعودی ها جناح وی را حمایت مالی می کردند، بالاخره حاضر شد به برخی مصالحه ها تن بدهد و چند ماه از حمله بر کابل خودداری کرد تا با انتظارات سعودی ها هماهنگ باشد.

سراج الدین حقانی برای تسهیل مذاکرات توسط یک کشور معتبر و مسلمان که همانا عربستان سعودی بود، انعطاف از خود نشان داد، و ادعا های دیگری در مورد کابل ارائه ننمود.

این امتیاز دادن از جانب یک چهره برجسته که گفته می شد که در خط سختگیرانه قرار دارد، باعث عکس العمل های شدید از طرف دیگر چهره های سختگیر در شبکه سراج الدین حقانی، مانند فضل الرحمان و ملا یحیی را برانگیخت، کسانی که به هر نوع نرمش در جنگ جهاد جاری مخالف بودند.

سراج الدین حقانی برای جلب حمایت طالبان ناراضی به مجردیکه موضوع قطع نمودن ارتباطات با جهادی های خارجی مطرح شد، آن را رد نمود و رد این امتیاز به امریکایی ها را در جمله موضوعات اصلی خود قرار داد.

هنگامیکه در ماه فبروری سال ۲۰۱۹ از جانب رهبری طالبان ملا هبت الله مقررات جدید در مورد محدود ساختن جهادی های خارجی اعلان شد، باعث ناراضایتی گسترده گردید، چندین عضو شورای رهبری از جمله افراد برجسته علناً اجرای زود هنگام این مقررات جدید با امریکا را مورد انتقاد قرار دادند.

بعضی از رهبران با القاعده ارتباطات خود را حفظ کردند و چنین وانمود کردند که ممکن است مقررات جدید بعد از خروج امریکا به طور شدید اجرا نشود، با وجودیکه رهبران القاعده خود شان با این تضمین ها تردید نشان دادند.

ستراتیژی سراج الدین حقانی برای تقویت مقامش در میان طالبان موفقیت محدود داشت، به طور کلی نظریات در مورد مقام سراج الدین حقانی متفاوت بود.

یک جناح مهم در کمیسیون نظامی طالبان که هفتاد فیصد قومندان های نظامی را در بر می گرفت، مداخله نظامی را به عوض مذاکره ترجیح می دادند، اما اکثریت آن ها هیچ نوع علاقه با سراج الدین نداشتند.

تلاش های سراج الدین حقانی تا حدی توسط رهبر طالبان ملا هبت الله آخندزاده که در اوایل خزان سال ۲۰۲۰ به کمیسیون نظامی اجازه درگیری های نظامی را داد، مختل شد، همچنان پیشنهاد امریکا که در بدل قطع حملات هوایی امریکا، حملات شان را به حالت تعلیق در آورند توسط طالبان رد شد، چون طالبان معتقد بودند که ادامه فشار نظامی بر غنی برای ضعیف ساختن موقعیت او در کابل ضروریست.

دلیل واضح که سراج الدین حقانی هیچ وقت یک ایدیالوگ واقعی نبوده، بلکه صرفاً یک رهبر جاه طلب طالبان بوده است، شاید در این است که بعد از تصرف واقعی کابل توسط طالبان در ماه اگست ۲۰۲۱، وی به سرعت به عنوان یکی از شخصیت های واقع بین و مؤثر در تحریک طالبان در نزد غرب و در نزد متحدانش، مورد تحسین قرار گرفت.

طالبان مذاکرات موازی با متحدان جهادی شان برگزار نمودند:

مذاکرات مغلق و پیچیده:

همزمان با مذاکرات صلح با امریکایی ها، طالبان به توافق رسیدند که کنترل متحدهای جهادی خارجی شان را، شبکه القاعده در نیم قاره هند، تحریک طالبان پاکستانی، گروه های مختلف آسیای میانه و یک تعداد دیگر را در دست بگیرند و در باره رول آینده شان مذاکره کردند.

طالبان به صورت علنی هر نوع ارتباط با جهادی های خارجی را انکار نمودند و در مجالس خصوصی خود را معتدل نشان دادند. به گفته یک منبع در شورای کویته در سال ۲۰۲۰ در حدود ۱۱۰۰۰ جنگجوی خارجی در افغانستان وجود داشت، در سال ۲۰۲۰، قرار یک منبع از داخل القاعده می توان آن ها را بر اساس وفاداری شان به سه "جریان" مختلف دسته بندی کرد.

– گروه دولت اسلامی خراسان (داعش - خراسان) ۲۵۰۰ جنگجوی خارجی که با طالبان مخالفت شدید داشتند و با مذاکره با آن ها هیچ توافق نداشته اند.

– مبارزان خارجی که با القاعده در نیم قاره هند پیوسته بودند و از امضای توافق با طالبان خودداری نموده بودند، مجموعاً به ۵۵۰۰ تا ۷۵۰۰ می رسیدند که در بین آن ها مهمترین، گروه تحریک طالبان پاکستان بود.

– سومین گروه جنگجوی خارجی که تعداد شان به دو هزار نفر می رسید، از جمله گروه های هستند که قبلاً با طالبان توافق نامه امضا کرده بودند.

شورای کویته بعد از توافق با امریکایی ها در ۲۹ فبروری سال ۲۰۲۰ به مخالفت های بزرگ مواجه شد، در حالیکه می خواست روابطش را با جهادی های خارجی در افغانستان حفظ کند، زیرا برای شورای کویته غیر ممکن بود که روابطش را به آن ها قطع نماید.

با توجه به تعداد آن ها و برقراری روابط شان با اعضای طالبان، اتحاد طالبان را به خطر می انداخت. در داخل شورای رهبری اختلافات در مورد سرنوشت جهادی های خارجی موجود بود، مخصوصاً اعضای که با رهبری مرکزی القاعده ارتباط داشتند.

از طرف دیگر جهادی های خارجی نا راضی، امکان داشت که با دولت اسلامی خراسان بپیوندند که می توانست تهدید جدی نظامی برای شورای کویته باشد.

توافقات پیشنهاد شده برای همه گروه های جهادی مختلف یکسان نبود، اما بعضی نکات کلیدی در تمام آن ها وجود داشت:

جهادی های خارجی باید:

– جهادی های خارجی باید بصورت مخفیانه عمل نموده و توافق با امریکا را به خطر مواجه نکنند.

– حملات علیه نیرو ها و پایگاه های خارجی را متوقف نمایند.

- بکوشند تا اعضای شان توسط طالبان شناسایی و ثبت و راجستر شود.
- پس از تکمیل ثبت نام و اعلان ختم جهاد، قبول کنند که افغانستان را ترک نمی کنند و برای شان پناهندگی داده خواهد شد.
شورای کویته باید:
- به جهادی های خارجی پناهندگی بدهد.

قرار یک منبع داخلی، طالبان آماده بودند در مقابل جهادی های طرفدار القاعده که از دستورات آن ها سرپیچی کنند، از زور استفاده نمایند. در عمل این چنین تصمیم یا اقدام باعث تقسیمات عمیق در میان طالبان می گردید، زیرا بسیاری از آن ها احساس نزدیکی زیادی به القاعده و گروه های وابسته به آن داشتند. امیر هبت الله تلاش کرد که یک موقف معتدل اتخاذ کند و احصائیه از گروپ های خارجی انجام گرفت، گر چه این کار باعث مقاومت برخی گروه های جهادی خارجی شد که منجر به دستگیری قومندان های مقاومت کننده گردید.

از طرف دیگر نفوذ رهبر طالبان هبت الله آخندزاده در بین طالبان شمال، جنوب شرق و شرق افغانستان محدود بود، در آن جاها طالبان ایکه رقبای وی بودند، نفوذ داشتند، و به پناهگاه تعدادی زیاد جهادپست های خارجی که با مذاکرات مخالف بودند، تبدیل گردید. این وضع اجرای هر توافق را مغلق نموده و مشکلات رهبران شورای کویته را جهت مدیریت گروه های جدا شده در داخل طالبان دشوار می ساخت.

مداخلات خارجی:

شورای کویته در تلاش های خود برای مذاکره با جهادی های خارجی، با فشار های دولت های خارجی مواجه گردید. دولت پاکستان از طالبان افغان خواستار خروج تمام جهادی های پاکستانی مانند تحریک طالبان پاکستان (TTP) و لشکر جهنگوی (Lashkar-e-Jhangvi) شد، با وجودیکه رهبر طالبان هبت الله به پاکستان اطمینان داده بود که این تهدیدات مد نظر گرفته می شود، اما پاکستان در مورد خواسته ها و توافقات خود ثابت قدم باقی ماند.

اختلافات داخلی در بین گروپ رهبری طالبان مذاکرات را به دلیل اینکه چندین رهبر طالبان از جهادی های خارجی مخصوصاً تحریک طالبان پاکستان حمایت می کردند را پیچیده تر ساخت. از طرف دیگر اردوی پاکستان مذاکرات با گروه های مانند لشکر طیبه و جهش محمد که روابط بسیار نزدیک با سازمان های امنیتی پاکستان دارند، را تسهیل می نمود.

امریکا نگرانی های خود را نسبت به تعهد شورای کویته اظهارنموده و خواستار شرایط دقیق و دسترسی به اطلاعات گردیدند، در حالیکه حملات علیه اعضای جنبش اسلامی ازبکستان در افغانستان سبب نگرانی جهادپرست ها شده بود، روسیه، موضع امریکا را حمایت کرده و خواستار حذف همه گروه های جهادی از افغانستان شد.

مقامات روسی با کمیسیون سیاسی طالبان دیدار نمود تا طالبان علیه این گروه ها اقدامات شدید اتخاذ نمایند.

باوجودیکه جزئیات در مورد مذاکرات عربستان سعودی با طالبان مبهم باقی مانده است ، اما گفته می شود که عربستان سعودی، طالبان را برای بهبود روابط و نزدیکی با داعش خراسان تشویق نمودند و در عین حال از آن ها خواستند که روابط شان را با القاعده در نیم قاره هند قطع کنند.

در مورد ایران گفته می شود که سپاه پاسداران در مذاکرات با طالبان از القاعده حمایت کردند و این گروه را یک ابزاری مفید برای عملیات های خود در خارج از کشور می دیدند. یک هیئت ایرانی در اواخر سال ۲۰۲۰ با هبت الله آخندزاده رهبر طالبان در مورد القاعده در شرق میانه مذاکره کرده بود، اما سپاه پاسداران وقتی فهمید که القاعده قصد دارد تا با دولت اسلامی خراسان روابط برقرار نماید، از این موضع صرف نظر کرد.

علاوه بر این گفته می شود که سپاه پاسداران جنبش اسلامی ازبکستان را تشویق کرد که از امضای توافق با طالبان خودداری کند و همچنان گفته می شود که تلاش نموده اتحاد های جدید با گروه های جهادی که قبلاً با آن ها رابطه داشتند، برقرار کند.

مذاکرات بین جناح های اصلی جنبش اسلامی ازبکستان و شورای کویته شش ماه طول کشید و به تاریخ ۸ اگست ۲۰۲۰ منجر به امضای توافق گردید که طبق این توافق جنبش اسلامی ازبکستان تمام فعالیت های خود را در افغانستان متوقف ساخته و ارتباطات خود با گروه های جهادی که به دولت اسلامی خراسان ارتباط دارند، قطع نماید. در عوض طالبان به آن ها اجازه دادند تا در مناطقی که تحت کنترل شورای کویته بود، مستقر شوند.

در جمله عواملی که بالای تصمیم جنبش اسلامی ازبکستان تأثیر داشت، حضور خانواده های این مبارزان در مناطق تحت کنترل شورای کویته از یک طرف و همچنان نگرانی ها در مورد نشانه های همکاری رو به رشد بین القاعده منطقوی، دولت اسلامی خراسان، و سازمان های استخباراتی پاکستان از جانب دیگر وجود داشت، اشاره گردیده است. جنبش اسلامی ازبکستان از شورای کویته

خواستاریک تضمین شد که طبق آن شورای کویته اطلاعات در باره اعضای آن ها به مقامات پاکستانی ندهد.

یک منبع از داخل جنبش اسلامی ازبکستان اظهار داشته است که گروهش تحت فشار این توافق را امضاً نموده است.

به تاریخ ۹ آگست ۲۰۲۰ شاخه اصلی لشکر جهنگوی نیز یک توافق با شورای کویته امضاً کرد و متعهد شد که حملات خود را علیه نیرو های سازمان پیمان اتلانتیک شمالی (ناتو) متوقف کرده و بالای نیرو های دفاع ملی و امنیت ملی افغانستان تمرکز می دهد. قابل تذکر است که این توافق مانع از ادامه حملات لشکر جهنگوی علیه جمعیت شیعه افغانستان و پاکستان نگردد. در عوض شورای کویته وعده حمایت مالی برای لشکر جهنگوی داد تا از کم شدن منابع مالی ناشی از قطع رابطه با القاعده و داعش خراسان را جبران کرده باشد، و هم فعالیت های لشکر جهنگوی مخفی باقی بماند. اگر چه القاعده اصرار داشت تا به دولت اسلامی خراسان متحد شود، اما شاخه اصلی لشکری جهنگوی تصمیم گرفت به شورای کویته بپیوندد و بر این باور بود که طالبان پناهگاه قابل اعتماد نسبت به دولت اسلامی خراسان و القاعده هستند، مخصوصاً با شکست های دولت اسلامی خراسان، کاهش منابع مالی وی و وابستگی القاعده به طالبان.

ادامه دارد...